

به هر حال صرف نظر از برخی نقصها، گشتاسپنامه دقیقی را باید یکی از مهمترین آثار حماسی ایران دانست؛ بویژه که دقیقی با انتخاب بهترین وزنهای شعر فارسی برای مضامین حماسی و نشان دادن راه نظم روایات ملی، پیشقدم و راهبر فردوسی شده است. نمونه‌ای از اشعار او:

چو گشتاسپ بر شد به تخت پدر	که هم فرّ او داشت و بخت پدر
به سر بر، نهاد آن پدر داده تاج	که زیبنده باشد بر آزاده تاج
منم گفتم یزدان پرستنده شاه	مرا ایزد پاک داد این کلاه
بدان داد ما را کلاه بزرگ	که بیرون کنیم از رم میش، گرگ
سوی راه یزدان بیازیم چنگ	بر آزاده گیتی نداریم تنگ
چو آیین شاهان به جای آوریم	بدان را به دین خدای آوریم

شب سیاه بدان زلفکان تو ماند	سپیدروز به پاکی رخان تو ماند
عقیق را چو بسایند نیک سوده گران	گر آبدار بود، با لبان تو ماند
به بوستان ملوکان هزار گشتم بیش	گل شکفته به رخسارکان تو ماند
دو چشم آهو، دو نرگس شکفته به بار	درست و راست بدان چشمکان تو ماند
کمان بابلیان دیدم و طرازی تیر	که برکشیده بود، به ابروان تو ماند
تو را به سرو این بالا قیاس نتوان کرد	که سرو را قد و بالا بدان تو ماند

گویند صبر کن که تو را صبر بر دهد	آری دهد، ولیک به عمر دگر دهد
من عمر خویش را به صبوری گذاشتم	عمر دگر نباید تا صبر بر دهد

برخیز و برافروز هَلا قبله زردشت	بنشین و بر افکن شکم قائم بر پشت
بس کس که ز زردشت بگردید و دگر بار	ناچار کند رو به سوی قبله زردشت
من سرد نیابم که مرا ز آتش هجران	آتشکده گشتست دل و دیده چو چرخشت
گر دست به دل برنهم از سوختن دل	انگشت شود بی شک در دست من انگشت
ای روی تو چون باغ و همه باغ بنفشه	خواهم که بنفشه چنم از زلف تو یک مشت
آن کس که مرا کشت، مرا کشت و تو را زاد	و آن کس که تو را زاد، تو را زاد و مرا کشت

فردوسی

استاد ابوالقاسم فردوسی بزرگترین حماسه‌سرای ایران است که در سال ۳۲۹ هجری (۹۴۰ میلادی) در ده باژ از توابع توس در میان خانواده‌ای از دهقانان^۱ متولد شد و در سال ۴۱۱ هجری (۱۰۲۰ میلادی) یا ۴۱۶ هجری درگذشت و در توس به خاک سپرده شد. شاهکار حماسی او کتاب عظیم شاهنامه است که در سال ۳۷۰-۳۷۱ ه ق یعنی در چهل یا چهل و یک سالگی آن را شروع کرد و پس از سی سال در ۴۰۱-۴۰۲ ه ق آن را به پایان برد و در این راه همه ثروت خود را از دست داد و تهیدست شد.

پیش از این گفتیم که دقیقی نظم داستانها و روایات ملی و پهلوانی ایران را آغاز کرده و هنوز بیش از هزاریت آن را نسروده بود که کشته شد. فردوسی کار او را دنبال کرد و شاهنامه خود را در شصت هزار بیت^۲ در قالب مثنوی و بحر مقارب سرود. موضوع شاهنامه، تاریخ ایران قدیم از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا پایان پادشاهی ساسانی است. این دوره طولانی به پنجاه پادشاهی تقسیم شده است. شاهنامه سه بخش اصلی دارد. اساطیری، پهلوانی و تاریخی.

حوادث شاهنامه از دوره‌های نخستین و اسطوره‌آی^۳ یعنی آغاز تمدن بشری و ظهور کشاورزی و آموختن راه و رسم فراهم آوردن خوراک و پوشاک و بافتن و ساختن، و داستان ضحاک و قیام کاوه و فریدون باشتاب می‌گذرد و به مرحله پهلوانی یعنی پیداشدن سام و زال و رستم و عصر کیکاووس و کیخسرو و جنگهای دراز ایران و توران می‌رسد. این بخش مهمترین و طولانی‌ترین بخش شاهنامه است. دوره سوم حوادث شاهنامه، دوران تاریخی است که با روی کار آمدن بهمن

۱. دهقانان طبقه‌ای صاحب مقام و دارای املاک و اموالی بودند که می‌توانستند از راه درآمد ملک خود زندگی نسبتاً راحت داشته باشند. این گروه به سنت و فرهنگ ایرانی دلبستگی بسیار داشتند و روایات تاریخی و سرگذشت پیشینیان خود را بهتر از هر گروهی می‌دانستند و آن را سینه به سینه به نسل‌های بعد از خود انتقال می‌دادند.

۲. نسخه‌های موجود شاهنامه گاه کمتر و گاه بر اثر الحاق ابیات غیراصلی بیشتر از شصت هزار بیت است.

۳. اسطوره (Myth) بیان آرزوهای بشر از منشأ ضمیر ناخودآگاه است که عموماً با زبانی آهنگین بیان می‌شده و از یک جهت با فلسفه، تاریخ، حماسه و بنیاد شعر پیوند داشته است. موضوع اسطوره آفرینش جهان و پایان آن است.

(اردشیر) آغاز می‌شود و تا پایان سلسله ساسانی و حملهٔ عرب ادامه پیدا می‌کند. فردوسی پس از پایان دادن کتابش مثل بقیه نویسندگان و شاعران آن زمان مجبور بود آن را به نام شاهی کند تا هم از بین نرود و هم امکان نسخه‌برداری از کتاب برایش فراهم شود و دیگر اینکه از ثمرهٔ عمر خود بهره‌مند شود؛ بنابراین آن را به نام سلطان محمود غزنوی کرد. به دلیل اختلاف مذهبی و نژادی (سلطان محمود سنی و ترک، و فردوسی شیعه و ایرانی بود) اثر گرانقدر او مورد توجه سلطان قرار نگرفت. قرار بود در ازای هر بیت شاهنامه، یک دینار (سکه طلا) به او بدهند، اما به دلیل سخن چینی و بدگویی حاسدان، سلطان محمود به جای طلا به او نقره (درهم) داد. فردوسی شصت هزار یا به قولی بیست هزار درهم ارسالی محمود غزنوی را گرفت و به حمام رفت و آن پول را به حمامی و فقاعی بخشید و خود از بیم جان به نزد امرای آل زیار در طبرستان رفت و سلطان را هجو گفت. براساس داستانی در «چهار مقاله» نظامی عروضی «پس از چند سال که سلطان و اطرافیان او به ارزش کار فردوسی پی بردند، شصت هزار دینار برایش فرستادند. کاروان حامل صلهٔ پادشاه در حالی به دروازهٔ توس وارد شد که از دروازهٔ دیگر جنازهٔ فردوسی را بیرون می‌بردند، صله را به دختر فردوسی دادند و او نیز قبول نکرد»^۱.

شاهنامهٔ فردوسی، شناسنامهٔ هویت ملی ایرانیان است و آینهٔ فرهنگ و سنت‌ها و آینه‌های باستانی ایران‌زمین و ترکیبی از عناصر تفکر باستانی و آداب ایرانی - اسلامی است.

نام این اثر در کنار آثار حماسی بزرگ جهان چون ایللیاد و اودیسه هومر، مهابهاراتا و رامایانای هندوان، نیبلونگن آلمانی و سرود رولان فرانسوی و گیلگمش و غیره می‌درخشد و از قدیم‌الایام تاکنون از جاذبهٔ زیادی در میان طبقات مختلف ایرانیان برخوردار بوده است و به دلیل شهرت و عظمت آن در جهان، تمام یا قسمتهایی از آن به زبانهای مختلف، از جمله عربی، ترکی، ارمنی، گرجی، گجراتی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، اسپانیولی، ایتالیایی، دانمارکی، لهستانی، مجارستانی، سوئدی و... ترجمه شده است.

۱. احمد نظامی عروضی سمرقندی؛ چهار مقاله، به اهتمام محمد قزوینی؛ چ اول، تهران: کتابخانه طهوری،

۴۸ □ شعر فارسی از آغاز تا قرن ششم هجری

همچنین میزان و حجم تقلیدهایی که از این شاهکار صورت گرفته، در مورد هیچیک از آثار حماسی بزرگ تکرار نشده است. از نظر سادگی و شیوایی زبان این اثر، باید گفت هنوز هم خواننده امروزی به دلیل روانی و فصاحت آن، در فهمش با مشکلی روبرو نمی‌شود و بسیار زود با آن انس می‌گیرد. از لحاظ انسانی و خردمحوری، شاهنامه فردوسی مقامی عالی دارد که به دنبال برتری نژاد ایرانی بر دیگر اقوام نیست، بلکه براساس معیارهای انسانی و جهانی، خرد و عدالت را بر همه چیز حتی سرزمین و جان پهلوانان و شخصیتها ترجیح می‌دهد و قهرمانان در خدمت تفکر و آرمانهای نجاتبخش انسانی‌اند و در این مسیر از هویت ایرانی دفاع می‌شود.

فردوسی امانتداری در نقل و روایت داستانها از منابع پیشین را با هنرنماییهای شاعرانه و استادانه خود در هم می‌آمیزد. شعر روان و منسجم او در دل تک‌تک ایرانیان جای باز کرده است و همگان او را می‌ستایند. در شعر او اصطلاحات علمی و فلسفی کمتر به کار رفته است؛ زیرا سبک سخن او ساده و مطابق با واقع است و در عین حال آن را با اغراقهای حماسی درآمیخته و پس از او هیچ‌کس نتوانسته است در لحن حماسی به پای او برسد.

لغات اصیل فارسی در شاهنامه فراوان است. فردوسی با آگاهی کامل در حفظ زبان فارسی کوشیده و در تمام این شصت هزار بیت، تنها حدود ۸۰۰ واژه ساده عربی را وارد شعر خود کرده است و تعداد ابیات سست و ضعیف آن بسیار اندک است.